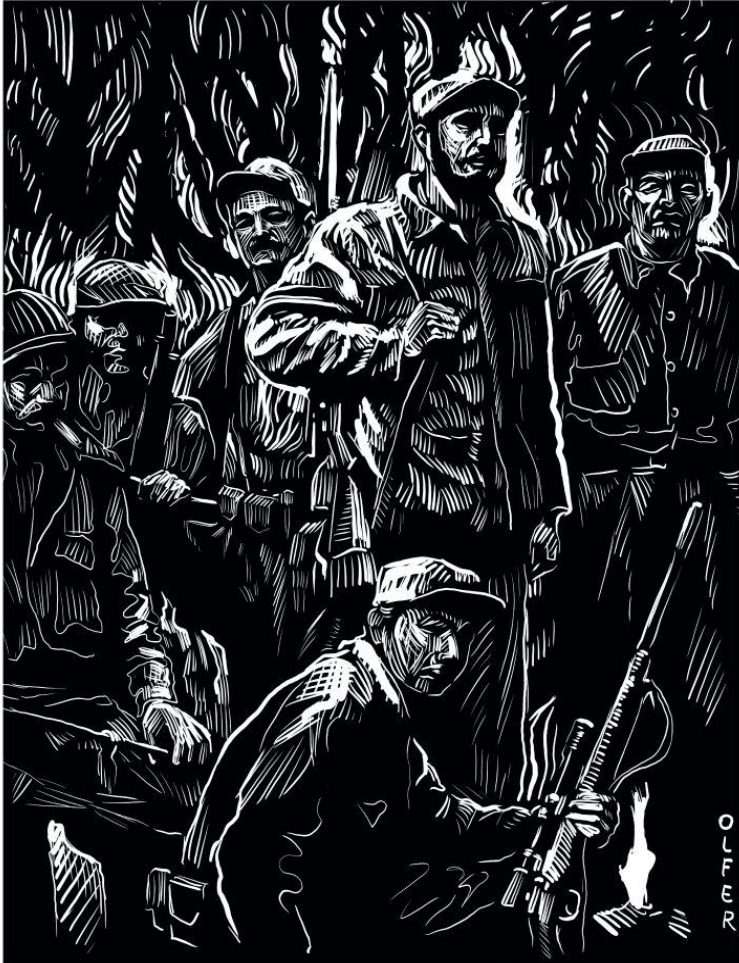


آنچه فیدل کاسترو به ما داد: خبرنامه سی و سوم (۲۰۲۶)

۱۳ اوت ۲۰۲۶



OLFER

PERU
@olfer

UTOPIX

FIDELX100



دوستان عزیز،

درد از طرف تری کنتیننتال: مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی.

شانزده سالم بیشتر نبود که فیدل کاسترو را نخستین بار در اجلاس سال ۱۹۸۳ جنبش عدم تعهد در هند دیدم. هنگامی که فیدل، که این هفته صدمین زادروز اوست، در محل برگزاری اجلاس با ایندیرا گاندی، نخست‌وزیر هند، دیدار کرد، تشریفات رسمی را کنار گذاشت و او را گرم و محکم در آغوش فشرد. فیدل هند را دوست داشت؛ این را هجده سال بعد در دوربان آفریقای جنوبی از خودش شنیدم. آن زمان به من گفت: «بارها به هند رفتم، اما هیچ‌وقت مدت طولانی آنجا نماندم.»

جرت نکردم به او بگویم در کنفرانس جنبش عدم تعهد، او را از دور دیده بودم و تحت تأثیر شخصیت عظیمش، تصور کرده بودم کوبا لابد کشوری پهناور است — نه جزیره‌ای با مساحتی حدود یکصدوده هزار کیلومتر مربع و جمعیتی کمتر از زادگاهم، منطقه کلان‌شهری کلکته. وقتی از دور او را با لباس نظامی سبزنگش می‌دیدم، فیدل جوانی را مجسم می‌کردم که از سیرا مائسترا به سوی هاوانا پیش می‌رود و در همان حال در این فکر بودم آیا زیر لباس نظامی‌اش سلاح کمری حمل می‌کند تا از خود در برابر تروریست‌هایی محافظت کند که گویی هرگز نمی‌توانستند به او دست پیدا کنند؟



**JUNAINA
MUHAMMED**

INDIA
@junaina_muhammed

**YOUNG SOCIALIST
ARTISTS (YSA)**

FIDEL X100



در کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی در سال ۲۰۰۱ در دوربان، فیدل تنها رهبر جهان بود که هم در مجمع دولتی و هم در مجمع غیردولتی با تشویق ایستاده حاضران روبه‌رو شد. او با صداقتی فراتر از مرزبندی‌های سیاسی سخن می‌گفت. آن دوران، دوران «حقوق بشر» و «جهانی‌شدن» بود؛ اصطلاحاتی که در شرایطی که موتور نابرابری بی‌رحمانه به کار خود ادامه می‌داد، معنای چندانی نداشت. وقتی همه‌چیز پیش چشم ما روزبه‌روز بدتر می‌شد، این مجامع درباره نژادپرستی و تخریب محیط‌زیست، بدهی، و حقوق زنان، چه فایده‌ای داشتند؟

۴

درحالی‌که بدهی خانوارها برای مردم عادی در جنوب جهانی به سطوحی فاجعه‌بار رسیده بود، رهبران با کت‌وشلوارهای سفارشی‌شان زیر لب همان حرف‌های تکراری را بر زبان می‌راندند. فیدل، با لباس نظامی‌اش، نقطه‌ی مقابل آنان بود. صراحت و لبخندش حقیقت را پذیرفتنی می‌کرد و به مردم الهام می‌بخشید تا در مبارزه برای آینده‌ای شرافتمندانه به او بپیوندند. ما برای تشویق فیدل از جا برخاستیم، نه فقط به خاطر آنچه می‌گفت، بلکه به این دلیل که او به زبان ما سخن می‌گفت.



GEORGE DAVID
ABREU RAMOS

REPÚBLICA DOMINICANA
@order_02

FIDEL X 100



دو سال پیش از آن که فیدل برای شرکت در اجلاس جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۸۳ به هند بیاید، در همایش کمیته‌های دفاع از انقلاب (CDR) سخنرانی کرد؛ گروه‌های محله‌محوری که در سال ۱۹۶۰ تأسیس شدند و نقشی حیاتی در پاسداری از جوامع محلی خود و کشور ایفا کرده‌اند. فیدل به دستاوردهای انقلاب کوبا اشاره کرد، اما در عین حال از محدودیت‌هایی سخن گفت که محاصره شدید ایالات متحده بر آن تحمیل کرده بود. با این همه، فیدل گفت محاصره «نتوانسته مانع از آن شود که ما دستاوردهایی را محقق کنیم که هرگز پیش از این به دست نیامده بود». از جمله این دستاوردها، این موارد را برشمرد: دستاورد فراهم کردن اشتغال برای تقریباً تمام جمعیت مان و پایان دادن به بیکاری؛ پایان دادن به مفاسد، قمار، مواد مخدر و فحشا؛ ریشه‌کن کردن بی‌سوادی؛ تضمین دست کم سطح تحصیلات تا پایه ششم و تلاش برای رساندن آن به پایه نهم؛ و برخورداری از تقریباً بهترین سطح خدمات بهداشت عمومی در میان تمامی کشورهای توسعه‌نیافته جهان.

فیدل گفت: «دشواری‌ها مانع پیشروی ما نخواهند شد.» این درس اساسی برای جهان سوم است. بله، استعمار کشورهای ما را ویران کرد. بله، ساختار نواستعماری همچنان منابع و ثروت را از کشورهای ما می‌مکد. بله، ساختار جنگ و بدهی هزینه‌ای عظیم بر هر کشوری تحمیل می‌کند که می‌کوشد حاکمیت خود را اعمال کند. بله، همه این‌ها حقیقت دارد و با دشواری‌ها دست‌به‌گریبانیم. اما دشواری‌ها مانع پیشروی ما نخواهند شد.



**KAEL
ABELLO**

VENEZUELA
@kael_abello

**IULP
UTOPIX**

FIDEL X100



فیدل سوسیالیستِ آرمان‌شهرگرا نبود. او دیدگاه کسانی را که معتقد بودند می‌توان مستقیماً از فقر به ثروت جهش کرد، رد می‌کرد. او مارکس را خوانده بود، به‌ویژه جزوه‌ای که به‌طور گسترده منتشر و مطالعه شده بود، نقد برنامهٔ گوتا (۱۸۷۵)، که مارکس در آن نوشته: «حق هرگز نمی‌تواند از ساختار اقتصادی جامعه و رشد فرهنگی مشروط به آن فراتر رود.» به بیان دیگر، جامعه‌ای که نیروهای مولد آن قادر به تولید مازاد کافی و در نتیجه ایجاد فراغت کافی و نهادهای فرهنگی لازم نیستند، نمی‌تواند به‌خودی‌خود شرایط رهایی انسان را فراهم آورد.



برای نمونه، حقوق لیبرالی مالکیت در نظام سرمایه‌داری، آزادی مالکیت را برای هر فرد تضمین می‌کند؛ آزادی‌ای که در صورت‌بندی‌های اجتماعی پیشا سرمایه‌داری محدود بود. اما این حقوق، آزادی از مالکیت را تضمین نمی‌کنند — به عبارت دیگر، آزادی از استبداد بی‌مالکیتی. تنها «در مرحله‌ای عالی‌تر از جامعهٔ کمونیستی» که وجه مشخصهٔ آن وفور است، می‌توان بنیان اجتماعی آزادی را بنا نهاد. مارکس نوشت: «تنها در آن هنگام است که می‌توان از افق محدود حق بورژوازی به‌تمامی فراتر رفت و جامعه بر پرچم‌های خود بنویسد: از هر کس به اندازهٔ توانایی‌اش، به هر کس به اندازهٔ نیازش!»



**IGNACIO ANDRÉS
PARDO VÁSQUEZ**

CHILE
@ignanpv

**UTOPIX, QUINTMANTÚ
E INFANCIAS LIBRES**

FIDEL X100



فیدل می‌دانست که چنین استدلالی سنت فکری او را از آرمان شهرگرایی و لیبرالیسم متمایز می‌کند. اما درعین حال یک اصل بنیادین را نیز درک کرده بود: توسعه ناموزون سرمایه‌داری در شرایط استعماری و نواستعماری، به ملت‌های فقیرتر اجازه نمی‌دهد نیروهای مولد خود را توسعه دهند، بلکه تنها به آن‌ها امکان می‌دهد توسعه‌نیافتگی خود را توسعه دهند.

این بدان معنا بود که جبهه‌های رهایی‌بخش ملی باید حاکمان استعمارگر را سرنگون کنند و سپس، همزمان و با مهارتی بسیار، دو وظیفه تاریخی را به انجام برسانند: توسعه نیروهای مولد (که می‌بایست وظیفه بورژوازی می‌بود) و اجتماعی کردن ابزار تولید (که رسالت پروژه سوسیالیستی است). در کشورهای فقیرتر، نیروهای سوسیالیستی ناگزیرند، زیر فشارهایی عظیم، هم وظیفه بورژوازی را و به انجام برسانند هم وظیفه پرولتاریا را. دشواری‌ها مانع پیشروی ما نخواهند شد.



**IGNACIO
MINAVERRY**

ARGENTINA
@ignaciominaverry

FIDEL X100



در سال ۲۰۰۱، در اتاق هتلی در دوربان، همراه با فیدل و اعضای هیئت همراهش نشسته بودم و او از من درباره تبعیض کاستی در هند پرس و جو می کرد. کنجکاوای فیدل مسری بود، و قرین خودآگاهی. من که مبهوت عظمت شخصیت او بودم، تمام تلاشم را می کردم تا مسائل را برایش توضیح دهم. سی و چهار سال داشتم و در همان حین در این فکر بودم که دختر شش ماهه ام در خانه در چه حال است.

۱۲

فیدل شروع کرد به صحبت درباره دشواری های ساختن سوسیالیسم و این که انقلاب کوبا در دهه های نخست برای درهم شکستن سلسله مراتب نژادی و جنسیتی به اندازه کافی تلاش نکرده بود. بله، انقلاب کوبا به جداسازی نژادی در فضاهای عمومی پایان داده بود، اما اقدامات کافی برای مقابله با ماهیت ریشه دار نژادپرستی انجام نشده بود. مهم این بود که با واقعیت های جان سخت روبه رو شویم، از واقعیت های عینی و دشوار آغاز کنیم، و سپس بکوشیم روشی برای تغییر وضعیت بیابیم. انکار واقعیت ها مانعی در برابر پیشرفت است. این برای فیدل محرز بود.

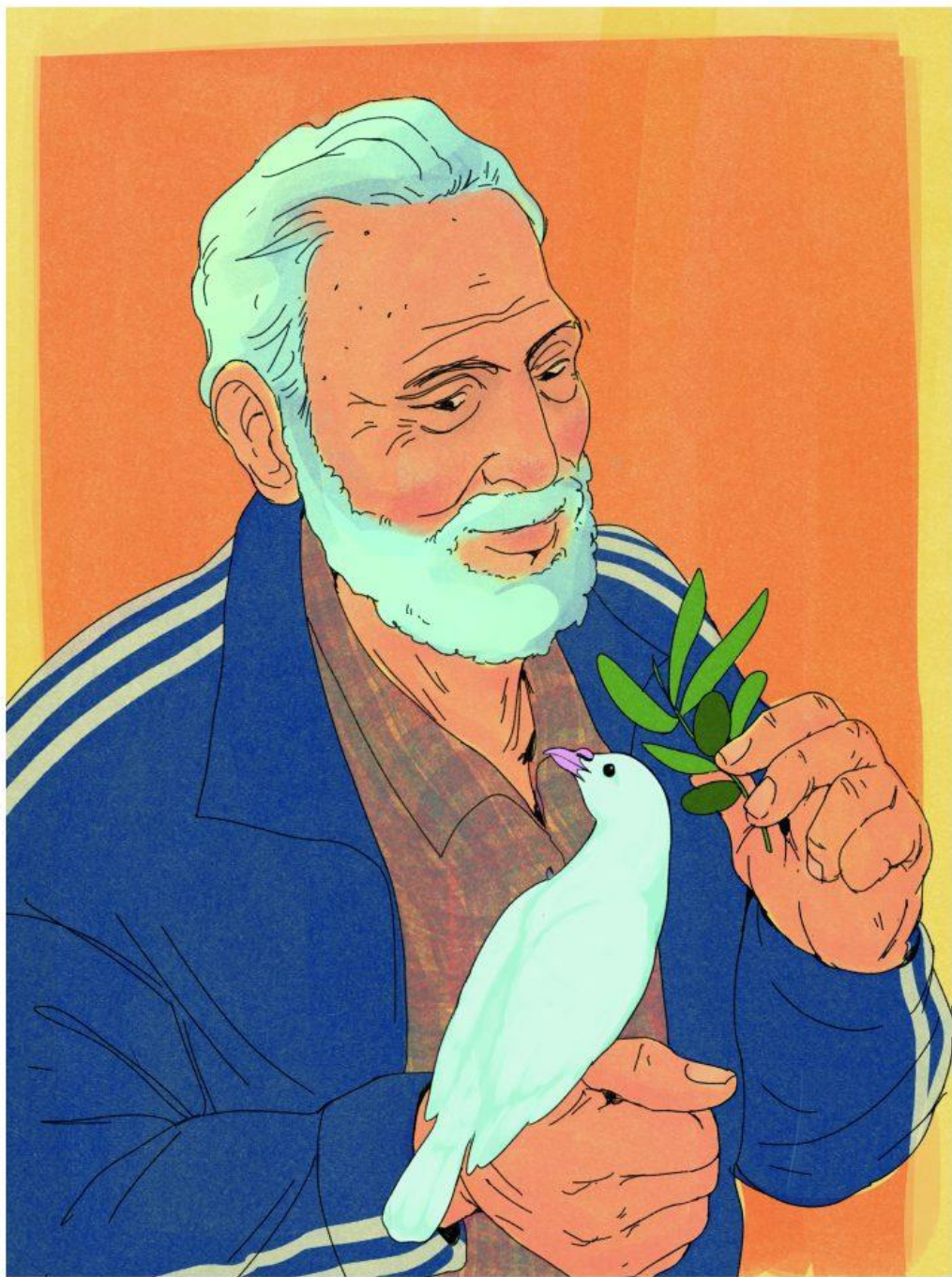
فیدل در سخنرانی خود در کنفرانس دوربان، درس نامه ای استاندارد درباره این واقعیت های جان سخت ارائه کرد. او گفت: «نژادپرستی، تبعیض نژادی و بیگانه هراسی، واکنش های غریزی و طبیعی انسان ها نیستند — آن ها مستقیماً از جنگ ها، فتوحات نظامی، برده داری و استثمار فردی یا جمعی ضعیف ترین ها به دست قدرتمندترین ها در سراسر تاریخ جوامع بشری زاده

شده اند.» اگر با این واقعیت روبه‌رو شویم، دیگر برگزاری سمینارهایی درباره رفتار بهتر یا بحث و فحص در خصوص بهترین شیوه‌ها برای ازمیان‌بردن نژادپرستی کافی نیست. ما باید نظامی را تغییر دهیم که چنین قدرتی به سلسله‌مراتب اجتماعی می‌بخشد. باید خودِ نظام سرمایه‌داری را سرنگون و دگرگون کنیم.

هنگامی که نزد فیدل نشسته بودم، تمایزی را که مارکس میان «قلمرو آزادی» و «قلمرو ضرورت» قائل شده بود، مطرح کردم. اولی به آن بخش‌هایی از جهان اشاره داشت که توانسته بودند — تا اندازه‌ای از طریق استعمار — نیروهای مولد پیشرفته‌ای برای خود ایجاد کنند و از این طریق زمینه را برای گذار به سوسیالیسم فراهم سازند. دومی، قربانیان غارت استعماری، هنوز نتوانسته بودند از مرحله تأمین نیازهای اساسی مردم فراتر روند و بنابراین با سوسیالیسم فاصله بسیار داشتند. باین‌همه، برخلاف انتظارات مارکسیسم کلاسیک، انقلاب‌ها درست در همین قلمرو ضرورت رخ دادند؛ جایی که، به نوشته «چه» در سال ۱۹۶۵، سوسیالیسم «جوان است و اشتباهاتی هم مرتکب می‌شود.»

فیدل به من گفت: «ما هم مرتکب اشتباهاتی می‌شویم، اما باید در مواجهه با آن‌ها صادق باشیم. نمی‌توانیم وانمود کنیم که اشتباه نمی‌کنیم. اما درعین حال باید به خودمان یادآوری کنیم که درباره برخی چیزها یقین داریم. نمی‌توانیم همیشه بابت تلاش‌هایمان عذرخواه باشیم، وقتی تمام تلاش ما صرفاً معطوف به انسانی‌تر کردن جهان است.»

انقلابی‌ای مانند فیدل فقط این یا آن ایده را به ما نمی‌بخشد. آنچه او، به‌ویژه در چنان لحظات صمیمانه‌ای، به ما می‌بخشد، الگوی یک انقلابی است — همان چیزی که هوشی مین آن را ضرورت الگوگیری می‌نامید. تماشای فیدل در حالی که اندیشه‌هایش را با شور و یقین توضیح می‌داد، تنها باعث می‌شد من نیز شور و یقین بیشتری پیدا کنم. این تجربه میل مرا عمیق‌تر کرد که نه از او به‌عنوان یک فرد، بلکه از شیوه مشارکتش در مبارزه برای نجات انسانیت ما از بربریت و تلاش صادقانه‌اش برای ساختن جهانی سوسیالیستی، الگو بگیرم.



**MADDOX
HUNT**

CANADA
@maddoxbonaventure

FIDEL X100
1984 - 2024



اگر به مهم‌ترین سخنرانی‌های فیدل گوش دهید، متوجه خواهید شد سرشار از جزئیاتی هستند که شاید برای مخاطبانش بی‌اهمیت به نظر برسند. برای نمونه، او آمار تولید محصولات کشاورزی در هر یک از مناطق کوبا را می‌خواند و برای مردمی که در میدان انقلاب گرد آمده بودند، از ریزترین جزئیات اداره دیوان سالارانه سخن می‌گفت. چرا چنین می‌کرد؟

فیدل، استاد انقلابی ما، به ما می‌گفت که سوسیالیسم در جزئیات است: توجه دقیق به علم توسعه نیروهای مولد، صراحت و صداقت درباره ناکامی‌ها، و گشودن راه برای مشارکت توده‌ای به‌منظور تبدیل شکست‌ها به موفقیت‌ها. دشواری‌ها مانع پیشروی ما نخواهند شد.

با مهر،

ویجی

پی‌نوشت: آثار هنری این خبرنامه برگرفته از مجموعه FIDEL X 100 است؛ ابتکاری در زمینه طراحی پوستر به مناسبت یک‌صدمین سالروز تولد فیدل کاسترو. این ابتکار به همت یوتوپیکس، مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی تری کنتیننتال، مجمع بین‌المللی خلق‌ها، آلبا موویمینتوس، پان آفریکانیسم تودی، مؤسسه سیمون بولیوار، و هنرمندان جوان سوسیالیست سازمان‌دهی شده است.

تهیه و تنظیم نسخه فارسی: خانه آمریکای لاتین